

۱۳ آبان و عدالت سمیناری

علی شکوهی

سالها قبل که امکان برگزاری نشست‌های دانشجویی برای امثال ما وجود داشت، در يك جمع دانشجویان بسیجی صحبت می‌کردم که بحث کشید به فرق میان بسیج دانشجویی و انجمن اسلامی دانشجویان و دیگر تشکلهای دانشجویی. در آنجا گفتم که بنده به احترام نام بسیج دعوت بسیج دانشجویی را می‌پذیرم اما این مجموعه را يك تشکل دانشجویی تلقی نمی‌کنم بلکه ادامه يك تشکیلات نظامی در درون دانشگاه می‌دانم. طبعاً دوستان دانشجویی عضو بسیج دانشجویی، از نظرات بنده راضی نبودند و اعتراض کردند. مجبور شدم بیشتر توضیح بدهم. گفتم که بسیج یکی از نهادهایی است که دخالت آنان در امور سیاسی از سوی امام‌خميني نهي شده بود درحالی‌که این نهاد در دانشگاه در حال فعالیت سیاسی آشکار است. همچنین تاکید کردم ساختار درونی بسیج دانشجویی کاملاً با ساختار نظامی هماهنگ است و فرمانده دارند و اعضای رسمی عضو سپاه در مراتب بالاتر در راس این تشکل قرار دارند. از طرفی علاوه بر بودجه‌ای که دانشگاه در اختیار تشکلهای دانشجویی قرار می‌دهد، بخشی از بودجه آنان از امکانات بسیج و سپاه تامین می‌شود. در ضمن عضویت در بسیج دانشجویی باعث ایجاد سابقه و سهمیه می‌شود یعنی هم از آن برای کاهش مدت خدمت سربازی می‌توانند استفاده کنند و هم از سهمیه قبولی در دانشگاه بهره‌مند خواهند شد. در نهایت تاکید کردم این وضعیت را مقایسه کنید با شرایط يك عضو انجمن اسلامی دانشجویان یا دیگر تشکلهای دانشجویی که از هیچ‌يك از این مزایا برخوردار نیستند و تازه به دلیل فعالیت در این‌گونه تشکلهای، چه بسا ستاره‌دار شوند و پرونده‌دار. این نمونه را گفتم تا از يك مورد مشابه سخن بگویم که در این روزها با آن مواجه بودم.

به مناسبت 13 آبان و اشغال لانه جاسوسی، این روزها سمینارها و نشست‌هایی در برخی از دانشگاه‌ها برگزار شده است. درباره چرایی توجه مضاعف به موضوع اشغال لانه جاسوسی در چند سال اخیر حرف‌های گفتمنی زیادی وجود دارد که قصد ورود جدی به آن را ندارم. هر چه بود آن رخداد مهم سیاسی موافقانی دارد و مخالفانی و جالب آنکه برخی از مخالفان امروز اشغال سفارت آمریکا را کسانی تشکیل می‌دهند که دیروز خودشان از دیوار سفارت بالا رفته بودند و روزگاران به عنوان قهرمانان انقلاب دوم قلمداد می‌شدند.

موافقان از اشغال لانه جاسوسي دفاع ميکنند تا مواضع ضد امريکايي امروز خود را توجيه کنند و در مقابل، مخالفان آن اقدام دانشجويان را ريشه همه مشکلاتي قلمداد ميکنند که ما در کشور و در مناسبات خارجي شاهد آن هستيم. طبعاً انتظار ميروود همه جريانهاي سياسي موجود و صاحب نظران با آزادي عمل کامل به طرح نظرات خود در اين زمينه پردازند و اجازه موافقت يا مخالفت داشته باشند اما متأسفانه امسال شاهد اين «عدالت سميناري» نبوده ايم و در عمل اجازه طرح برخي از نظرات مخالف در محيطهاي دانشگاهي به برخي از افراد داده نشد.

جناب مهدي نصيري که خودش روزگاري از تندروان اصولگرا به حساب مي آمد مدتي است که مواضع گذشته خودش را نقد ميکند و خواستار اصلاح روشهاي کشورداري کنوني است و از جمله معتقد نيست که جمهوري اسلامي در سطح جهاني خود را منجي بشریت تصور کند و بار سنگين ايجاد نظام عادلانه در جهان را بر دوش بگيرد درحالي که نتيجه اين سياستها، عدم توسعه اقتصادي و فقر و بيکاري و صدها بليه اجتماعي ديگر است. او از جمله با سياست حذف برخي افراد و نيروهاي سياسي و نهادهاي حاکميتي هم مخالفت ميکند و معتقد است اگر قصد مبارزه با امپرياليسم و دشمنان خارجي را داريد در درون کشور، سياست ايجاد وفاق ملي و همبستگي اجتماعي را در پيش بگيريد و الا کارتان ابتر مي ماند و نه در بين مردم جا يگاهي خواهيد داشت و نه در مبارزه ضد امريکايي توفيق نصيب شما ميشود. همين نظرات مورد توجه انجمن اسلامي دانشجويان در دانشگاه تبريز قرار گرفت و با دريافت مجوز لازم، جلسه اي را با حضور جناب نصيري طراحي کردند تا در سالگرد اشغال لانه جاسوسي درباره نيازها و پيش نيازهاي اين مبارزه سخن گفته شود. ظاهراً اين نگاه و اين سخنران، باب طبع برخي از نهادهاي امنيتي نبود و به همين دليل مداخله فرادانشگاهي کردند و به يك معنا، دستور لغو اين نشست دانشجويي صادر شد. نکته جالب آنکه نه تنها به مديريت دانشگاه و انجمن اسلامي دانشجويان دستور داده شد که اين جلسه را برگزار نکنند بلکه به سراغ شرکت هواپيمايي هم رفتند و بليت پرواز سخنران را لغو کردند که کاري بي سابقه بود. اين را مقايسه کنيد با يك سمينار اينترنتي (وبينار) ديگري که با موضوع 13 آبان در يکي از استانهاي جنوبي کشور برگزار شده است. در دعوت نامه ارسالي اين سمينار تاکيد شده است که ميزبانان و برگزارکنندگان را نهادهايي مانند بسيج جامعه پزشکي استان، معاونت آموزش و پژوهش دفتر نهاد نمايندگي مقام معظم رهبري در دانشگاههاي استان، دفتر هم انديشي اساتيد دانشگاههاي استان و بسيج اساتيد استان تشکيل مي دهند و بر اين اساس از همه استادان دانشگاهها دعوت

شد تا در این جلسه هم‌اندیشی شرکت کنند. نکته جالب آنکه برای جذب مشتری و افزایش شرکت‌کنندگان، این کار سیاسی را با استفاده از امکانات عمومی مورد حمایت قرار داده‌اند و تأکید کرده‌اند «این رویداد دارای امتیاز ارتقای اساتید شرکت‌کننده است». این نکته را هم باید بگویم که سخنران این جلسه هم تنها مبلغ نظرات سیاسی خود نیست و بابت حضورش در این‌گونه نشست‌ها، حق‌الزحمه خوبی هم دریافت می‌کند چرا که معتقد است این نهادها دارای بودجه مخصوص برای این‌گونه فعالیت فرهنگی- سیاسی هستند و چرا او نگیرد!

قصه همان است که ابتدا گفتم. برخی از نهادهای حاکمیتی با استفاده از امکاناتی که در اختیار دارند، به راحتی و بدون هیچ مانعی به طرح نظرات سیاسی خود مبادرت می‌کنند و منتقدان خود را مینوازند اما اجازه طرح نظرات مخالف را به منتقدان نمی‌دهند. این رویه خلاف عدالت است ولی واقعیتی است که جریان دارد. در موضوعات اختلافی حتما باید اجازه طرح همه نظرات را به صاحبانش داد تا در پرتو برخورد اندیشه‌های مختلف با یکدیگر، شاهد تولد اندیشه برتر و صواب باشیم و الا اندیشه مظلوم‌تر مورد قبول افکار عمومی قرار خواهد گرفت حتی اگر اندیشه درست‌تر هم نباشد.